
Representing the Meaning of Urban Spaces in Ardabil in the Safavid Era Through Hall's Cultural Approach*

Mohammad Taghi Pirbabaei^{1**}, Ahad Nejad Ebrahimi², Saman Abizadeh³

1. Associate Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

2. Associate Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

3. Ph.D. in Islamic Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

(Received 11 Dec 2017, Accepted 25 Apr 2018)

The culture of a city is the pattern that at once represents the city as a whole and the semantic atmosphere or context in which it develops and evolves. In this respect, a city's culture is nothing other than its system of meanings – of meaningful symbols or symbolic meanings – and their formal/physical patterns. An essential strategy to identify an urban culture is to take account of the various types or forms of urban spaces as well as their meanings and concepts. Therefore, it seems necessary to gain a comprehensive understanding of the stages of development/evolution of urban spaces as well as the relation between representations of meaning and culture in a given period. With a cultural approach to the research subject and an exploration of the city from a cultural point of view, we aim to categorize the effects of culture on the formation of urban structures and forms. By analyzing the meanings and concepts of structural urban elements, we intend to present a reading of the formal/physical concepts and meanings of the case, i.e., the city of Ardabil. Urban spaces are thought of as influential cultural environments that may be effective in shaping community infrastructure. Throughout history, there have been many cities across the world that used to be important for short or long periods due to political, social or cultural reasons, thus, ranking high among cities. One of them is Ardabil, which used to be of special importance for its political and cultural status and reached its culmination in the Safavid era. Ardabil was deemed a sacred place by the Safavid Dynasty. Because of Sheikh Safi al-Din's Shrine, the religious status of the city was multiplied. It should be noted that Ardabil acquired a new and

quite unprecedented significance in the Safavid era. The present research addresses the conceptual position of the city of Ardabil during the Safavid era, which is considered by many Iranians as the era of the resurgence of Shiite Islam. The main question is: How did culture manifest itself in the formation and development of the city of Ardabil in the Safavid era? To answer this question, we represent the meanings of culture in three major urban spaces of Ardabil, including Sheikh Safi al-Din's Shrine, the Bazaar and Jom'e (Jame') Mosque. The main purpose of this study is to analyze the meanings of prominent spaces in Ardabil city from a cultural perspective, in particular, through representing the meanings and concepts of the city's culture in the Safavid era. The study uses an exploratory method and literature review procedures to present an analysis based on Stuart Hall's "Circuit of Culture" for representations of meanings. The findings indicate that the holy concept of Sheikh Safi al-Din's shrine as Safavid governance origin; bazaar as a main part of urban life and city magnificent; and Jom'e mosque as a religious center conceptually consolidating urban spaces represent the meaning of urban spaces. Representation of spatial meanings in the Safavid-era Ardabil was closely linked to power relations and, thus, the city's culture reflected the religious system, which was based on the legitimacy of the Shiite Safavid rule.

Keywords: Representation, culture, Ardabil city, Sheikh Safi al-Din's Shrine, the Bazaar, Jom'e (Jame') Mosque, the Safavid era.

* The present article has been derived from Saman Abizadeh's PhD thesis entitled "Explaining the cultural model of historical evolution of Islamic cities, Case Study: Ardabil City of Safavid Period" at Tabriz Islamic Art University under the supervision of Dr. Mohammad Taghi Pirbabaei and Dr. Ahad Nejad Ebrahimi.

** Corresponding author. E-mail: pirbabaei@tabriziau.ac.ir



بازنمایی معناهای فضاهای شهری اردبیل دوره صفویه با نظریه فرهنگی هال*

محمد تقی پیربابائی^{۱*}، احد نژاد ابراهیمی^۲، سامان ابی زاده^۳

۱. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۲. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۳. دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۲۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۲/۵)

چکیده

فرهنگ هر شهر هم الگوی پدیداری شهر است و هم حامل حال و هوا و فضای معنایی است که شهر در درون آن توسعه و تحول می‌یابد. از این رو فرهنگ شهر عبارت است از نظام معنا یا نمادهای معنادار و یا معانی نمادین و الگوی کالبدی آن. بنابراین راهبرد اساسی در شناسایی فرهنگ شهری، توجه به انواع یا اشکال گوناگون فضاهای شهری و معانی و مفاهیم آنهاست. در این راستا، مطالعه فرهنگی شهرهای تاریخی زمینه مناسبی جهت درک تحولات تاریخی و دگرذیسی شهر و شناخت فرهنگ شهرسازی جامعه می‌باشد. شهر اردبیل از شهرهای تاریخی مهم است که در دوره صفویه به غنای فرهنگی خاصی رسیده و نقش مهمی در فرهنگ شهرسازی آن دوره ایفا نموده است. لذا شناخت کامل مراحل تکوین و تکامل فضاهای شهر، همچنین ارتباط بازنمایی معنا و فرهنگ در این دوره ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با روش اکتشافی-اسنادی و با استفاده از مدار فرهنگی استوارت هال، با هدف بررسی بازنمایی معناهای فضاهای مهم شهری اردبیل دوره صفویه جهت دستیابی به الگوی فرهنگی آن انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بقعه شیخ صفی‌الدین به دلیل قداست معنایی، به شهر هویت مقدس بخشیده و بازار به عنوان ستون فقرات شهر دلالت بر مکتب آن داشته و همچنین جمعه مسجد نیز یکپارچگی مکانی-معنایی شهر را بازنمایی می‌کرده است. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که بازنمایی معانی فضاهای شهر اردبیل در دوره صفویه پیوند تنگاتنگی با مناسبات قدرت داشت و فرهنگ شهر بر اساس نظام دینی مبتنی بر مشروعیت حکومت شیعی صفویه نمود پیدا کرده بود.

واژگان کلیدی

بازنمایی معنا، نظریه فرهنگی هال، شهر اردبیل دوره صفویه، بقعه شیخ صفی، بازار، جمعه مسجد.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری آقای سامان ابی‌زاده با عنوان «تبیین الگوی فرهنگی تحول تاریخی شهرهای اسلامی، نمونه موردی: شهر اردبیل دوره صفوی» است که در دانشگاه هنر اسلامی تبریز به راهنمایی دکتر محمد تقی پیربابائی و دکتر احد نژاد ابراهیمی به انجام رسیده است.

** نویسنده مسئول مکاتبات: E-mail: pирbabaei@tabriziau.ac.ir

مقدمه

تحلیل یا رویکرد خاص به جامعه است. تاریخ فرهنگ آنجا بروز می‌کند که تاریخ به‌مثابه ماده تاریخی مد نظر باشد، اما تاریخ فرهنگی آنجا رخ می‌نماید که تاریخ به یک ابزار و روش تحلیل و شناخت تبدیل شود. بنابراین تاریخ فرهنگی به موجب آنکه تاریخ را به‌مثابه ماده تاریخی در نظر می‌گیرد، فرهنگ را به‌منزله یک کل تلقی می‌کند، بی آنکه چندان به مؤلفه‌ها و اجزای آن بپردازد؛ اما تاریخ فرهنگ ناظر بر سیر شکل‌گیری، تحول، تکامل و دگرگونی فرهنگ است و در واقع، نوعی شناخت توصیفی-روایی و تا حدودی تلقی تحصلی از فرهنگ است (Fazeli 2014, 60).

در میان شهرهای تاریخی ایران، اردبیل از نظر فرهنگی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. این شهر در قرن پنجم و ششم به علت موقعیت جغرافیایی از جانب سرزمین‌های جنوبی روسیه مورد تهاجم بوده و در دوره سلجوقی از تهاجمات گرجی‌ها لطمه خوره و پس از مدتی گرفتار تاخت‌وتاز مغولان شده است. با ظهور شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اردبیل گذشته از سابقه و اهمیت تاریخی شهرت دیگری نیز یافته و دارالعرفان و دارالارشاد نامیده شده است. اردبیل در عصر صفوی به‌مثابه مکانی مقدس برای خاندان صفوی بود و آرامگاه شیخ صفی‌الدین، بر اهمیت موقعیت مذهبی شهر اردبیل افزوده بود. بنابراین می‌توان گفت در این دوره شهر اردبیل معنای جدیدی کسب می‌کند که متفاوت بود و پیش از آن وجود نداشت.

در این نوشتار جایگاه مفهومی شهر اردبیل در دوره صفوی، که می‌توان گفت مرکز طلوع دوباره مذهب تشیع بوده است، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. «چگونگی بازتولید فرهنگ شهر اردبیل در دوره صفویه» سؤال اصلی پژوهش حاضر بوده است. برای این منظور معانی فرهنگ اصلی‌ترین فضاها شهر اردبیل، از جمله بقعه شیخ صفی‌الدین، بازار و مسجد جمعه، بازنمایی می‌شوند. این پژوهش سعی دارد با استفاده از رویکرد تاریخ فرهنگی، به یافته‌های جدیدی در این خصوص دست یابد.

فرهنگ با تولید و تبادل معنا، همچنین دادن و ستاندن آن بین اعضای یک گروه یا جامعه ارتباط دارد (Hall 1997, 5). با توجه به وجود نسبت و رابطه میان فرهنگ و کنش، می‌توان فرهنگ را بنیاد زندگی اجتماعی دانست. زندگی اجتماعی چیزی جز مجموعه کنش‌های بسیار پرشمار و گوناگون نیست و کنش تابعی از فهم‌ها یا نظام‌های مفهومی فردی است و نظام‌های مفهومی فردی نیز از نظام‌های مفهومی مشترک یا فرهنگ اخذ شده‌اند؛ لذا فرهنگ نقش بسیار تعیین‌کننده در زندگی اجتماعی دارد. بنابراین، شناخت بهتر زندگی اجتماعی در گروه شناخت بهتر فرهنگ است (Hall 1997, 10-12).

در دهه‌های اخیر با گسترش رویکرد فرهنگی در فهم و مدیریت شهر مباحث مناسب بین انسان و شهر در کانون مباحث مطالعات شهری قرار گرفته است. فرهنگ شهر در هر دوره از تاریخ، از یک‌سو شکل‌دهنده به شهر و از سوی دیگر متأثر از وضعیت شهر بوده است. فرهنگ هر شهر هم محل تجلی شهر است و هم حامل حال‌وهوا و فضای معنایی است که شهر در درون آن توسعه و تحول می‌یابد. از این رو راهبرد اساسی برای شناسایی فرهنگ شهری، توجه به انواع یا اشکال گوناگون شهر در طول تاریخ است (Fazeli 2015, 65). در این راستا، رویکرد فرهنگی به تاریخ شهر و تاریخ فرهنگی یک نوآوری علمی است که با کاربردی آن درک ما از تحولات تاریخی و دگرذیسی شهر بسیار افزوده شده است. یکی از گفتمان‌ها و شاخه‌های پررونق مطالعات تاریخی که از دهه ۱۹۷۰ به بعد گسترش یافته، تاریخ فرهنگی است. عبارت تاریخ فرهنگی گویای این موضوع است که این دانش تلاش می‌کند تا با رویکردی بین‌رشته‌ای، دو حوزه علوم انسانی، یعنی تاریخ و فرهنگ، را با یکدیگر و در تعامل با هم ببیند. از این رو، تاریخ فرهنگی دانشی است میان‌رشته‌ای که از علوم مربوط به فرهنگ شامل انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و امثال اینها همراه با تاریخ استفاده می‌کند (Fazeli 2014, 4). تاریخ فرهنگی نوعی شیوه

۱. بازنمایی معنا در نظریه فرهنگی هال

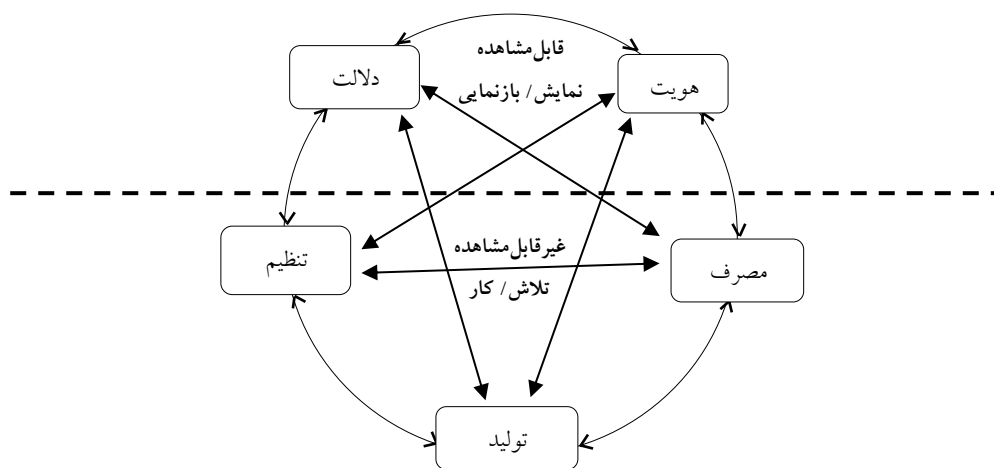
استوارت هال کوشیده است که به دقیق‌ترین و ساده‌ترین شکل ممکن پاسخ دهد که فرهنگ چیست، چگونه تولید می‌شود و چه نسبتی با زندگی اجتماعی-سیاسی دارد. در این رابطه با چیستی فرهنگ، هال آن را چیزی جز «معنای مشترک» یا «مجموعه مفاهیم، تصاویر و تصورات مشترک» نمی‌داند. زیرا برقراری ارتباط فقط به واسطه معنای مشترک یا شیوه‌های نسبتاً همسان فکر و احساس امکان‌پذیر است. بر این مبنا، هال، فرهنگ را به واسطه تولید و تبادل معنا تعریف می‌کند. هال بیان می‌کند که «معنا» در درون مدار فرهنگی و در چندین پایگاه متفاوت تولید می‌شود و به صورت چرخشی در میان این پایگاه‌ها حرکت می‌کند. در نگاه او معنا شامل هر آن چیزی است که ایجاد تعلق می‌کند و احساس هویت را به وجود می‌آورد و این معناست که اعمال و رفتار انسان‌ها را تنظیم می‌کند و به آن‌ها سازمان می‌دهد (Mirzai and Parvin 2010). درباره چگونگی تولید و انتشار فرهنگ، وی معتقد است که معنا از طریق دو فرایند متوالی و مرتبط «بازنمایی مفهومی» و «بازنمایی زبانی» تولید و منتشر می‌شود. معنایی که به واسطه نظام بازنمایی تولید و منتشر می‌شوند پیوند تنگاتنگی با مناسبات قدرت پیدا می‌کنند. مدار فرهنگی هال در واقع نوعی کاربست فرهنگی درباره تولید معنا از طریق بازنمایی و زبان است. به منظور درک طرز کار یک سایت فرهنگی، متن، تمرین یا شیء، باید آن را

از زاویه‌های مختلف و در تمامی زمینه‌های ممکن مورد بررسی قرار داد.

در نمودار منعکس در تصویر ۱، که به مدار فرهنگی استوارت هال معروف است، فرهنگ به پنج مؤلفه تجزیه می‌شود. این نمودار چگونگی معنانشدن یک مکان، متن، عمل یا موضوع در شرایط تولید، مصرف، هویت، تنظیم و دلالت مهم‌تر از همه، رابطه بین هر کدام از این مؤلفه‌های فرهنگی با یکدیگر را نشان می‌دهد. بخشی از سایر مؤلفه‌ها می‌تواند بر ساخته و ایده بسیار خوبی در مورد فرهنگ به دست دهند (Hall 1997).

۱-۱. تولید و بازنمایی معنا

تولید عبارت است از درست کردن چیزی، اختراع آن، ساخت آن، بازتولید آن، توزیع آن، بازاریابی آن و پرداخت هزینه برای تمامی این کارها و افرادی که آن‌ها را انجام می‌دهند. لازمه استقرار یافتن و تثبیت شدن معنای فرهنگی آن است که ارسال و سپس دریافت شود. نکته مهم تنها این نیست که تولیدکننده قصد تولید چه معنایی را داشته است، بلکه شنوندگان و بینندگان پیام گیرندگان منفعل نیستند و در خلق معنا مشارکت فعال دارند (Hall 1997). زبان مهم‌ترین عامل در فرایند تولید و تبادل معناست و خلق، انتشار، تغییر و دگرگونی یا حذف معنا صرفاً در چارچوب زبان امکان‌پذیر است (Hall 1997, 5).



تصویر ۱: مدار بازنمایی معنا (Hall 1997)
Fig. 1: Circuit of meaning representation (Hall 1997)

۱-۲. مصرف و بازنمایی معنا

مصرف عبارت است از خرید چیزی، استفاده از چیزی، تبدیل شدن به بخشی از چیزی. معنای فرهنگ طریقه بیان پاره‌ای فرایندها، کاربرد یک اثر، یک شیء، کالا یا متن است. با اینکه نظریه پردازان فرهنگی در وهله اول مدل‌های مدار فرهنگی را در نظر گرفته‌اند، اما ارتباط بین فرایندهای تولید و مصرف در کانون توجه آنان قرار دارد. تولید و مصرف در عین تناظر با یکدیگر، همدیگر را تقویت نیز می‌کنند.

۲. روش تحقیق

رویکرد نظری این تحقیق در بازنمایی معناهای فضاهای شهری، «نظریه فرهنگی» استوارت هال است که با روش اکتشافی-اسنادی انجام شده است. روش اسنادی روشی کیفی است که طی آن پژوهشگر می‌کوشد تا با استفاده از نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام نماید. در این رابطه سند، مصنوعی ایستا و از پیش تعریف شده نیست بلکه آن را باید بر اساس میدان و شبکه‌های کنش مربوط به آن تعریف کرد. در این پژوهش هدف توصیف و تفسیر داده‌های تاریخی شهر اردبیل دوره صفوی در پرتو بینش نظریه فرهنگی استوارت هال است. در این راستا، ابتدا ویژگی‌های کلی اجتماعی و فرهنگی شهر تاریخی اردبیل و تحولات کالبدی آن در دوران صفویه بررسی می‌شود و سپس به استخراج مفاهیم و معانی فضاهای اصلی شهر در آن دوره با استفاده از مدل «مدار فرهنگی» استوارت هال اقدام می‌گردد.

۳. ویژگی‌های کلی اجتماعی و فرهنگی اردبیل در

دوران صفویه

شهر اردبیل یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران به شمار می‌رود. این شهر در طول تاریخ سیاسی خود سده‌های متممادی مرکز آذربایجان و زمانی پایتخت کشور ایران بوده است (Jamei 9, 1993). شهر اردبیل در سده هشت هجری با عنوان مذهبی دارالارشاد و دارالشرع، و از اواخر سده مزبور تا عصر قاجار

۱-۳. هویت و بازنمایی معنا

مسئله هویت از همان ابتدا کانون مطالعات فرهنگی قرار گرفت. در این زمینه مطالعات فرهنگی به مطالعه این امر می‌پردازند که افراد و گروه‌ها چگونه هویت خود را می‌سازند و مورد مذاکره قرار می‌دهند یا چه درکی از خود دارند. مطالعات فرهنگی بر اساس تقابل مستقیم با مفهومی ارتدکسی از هویت شکل گرفته است. این مفهوم ارتدکسی از هویت فرض می‌کند که هویت چیزی مستقل (وجودی ثابت و مستقل از هر گونه تأثیر خارجی) است در حالی مطالعات فرهنگی هویت را پاسخی به چیزهای متفاوت و بیرونی در نظر می‌گیرد. احتمالاً به جای تلقی هویت به مثابه واقعیتی از پیش کامل شده که اعمال فرهنگی جدید توسط آن نمایش داده می‌شوند، باید هویت را «محصول»ی قلمداد کنیم که هیچ‌گاه کامل نیست، همیشه در جریان است و همیشه درون‌بازنمایی می‌شود نه آنکه بیرون از آن ساخته شود (Hall 1997).

۱-۴. مقررات، تنظیم و ضوابط و بازنمایی معنا

تولید و مصرف هر چیزی در مطالعات فرهنگی در یک بستر حقوقی صورت می‌پذیرد که ممکن است رسمی، عرفی یا اعتقادی باشد. این بستر فعالیت‌های انسان را تنظیم می‌کند و معنای آن‌ها را در خود مستتر دارد.

۱-۵. دلالت و بازنمایی معنا

بازنمایی مبنا و مبدأ مطالعه فرهنگ است. استوارت هال از

مساجد این شهر میادین بزرگ و باشکوهی ایجاد شد و در این میادین آب‌نماهایی با آب فراوان و گوارا وجود داشت. بنابراین اردبیل را شاید بتوان نخستین شهر ایران دانست که آب آن (از دوره صفویه) از طریق لوله‌کشی تأمین می‌شده است (Rezazadeh Ardebili and Peygami 2009, 77). از دیگر اقدامات مهم شهرسازی و معماری صفویان در اردبیل تجدید بنای فعلی بازار که در آن دوره به اوج وسعت و رونق خود رسید و همچنین ایجاد پل‌هایی چون پل سرخ، پل هفت‌چشمه، پل پنج‌چشمه و پل سه‌چشمه قابل ذکرند. بنابراین پیدایش و ظهور خاندان صفویه تأثیر فراوانی بر سیما و کالبد شهر گذاشت (Yousefi and Golmaghani Zadeh 2011, 15). شهر اردبیل در اواخر حکومت صفویان رونق خود را از دست داد و تجارت و بازرگانی در آن به رکود گرایید.

۴. بازنمایی معناهای فضاهای شهری اردبیل

فضاهای شهری عرصه تعاملات اجتماعی و انعکاس‌دهنده فرهنگ و ارزش‌های جامعه می‌شوند و هنجارهای رفتاری و حقایق خلق‌شده توسط جامعه را به نمایش می‌گذارند (Rostamzadeh et al. 2010, 50). در بحث حاضر برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، بازنمایی معانی فرهنگ اصلی‌ترین فضاهای شهری اردبیل، از جمله بقعه شیخ صفی‌الدین، بازار و مسجد جمعه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. بازنمایی معناهای مجموعه شهری شیخ

صفی‌الدین اردبیلی

بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی ایران و از شاهکارهای معماری و کاشیکاری سده هشتم هجری است. شکل‌گیری مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به سده هشتم هجری بازمی‌گردد. شیخ صفی‌الدین اسحق اردبیلی، عالم ربانی مشهور و فرزند امین‌الدین جبرائیل، به سال ۶۵۰ هجری قمری در روستای کلخوران از توابع اردبیل دیده به جهان گشود (Jamei 1993, 87). صفی‌الدین از همان

با اشتها به دارالامان در ردیف دو یا سه شهر پررونق زیارتی شیعیان، اعتبار مذهبی و سیاسی والایی داشت. خیزش نهضت صفوی از این شهر و نقش مؤثر نوادگان شیخ صفی‌الدین اردبیلی در تاریخ نوین ایران سبب شد تا نام اردبیل در تاریخ ایران برجسته‌تر شود (Yousefi and Golmaghani Zadeh Asi 2011, 12).

فرهنگ با معناهای مشترک سروکار دارد و زبان وسیله ممتازی است که به واسطه آن چیزها را بهتر درک می‌کنیم و از طریق آن تولید و مبادله معنا صورت می‌گیرد. تنها از رهگذر زبان مشترک است که می‌توانیم معناهای مشترک داشته باشیم. پس زبان جایگاه محوری در معنا و فرهنگ دارد (Hall 1997, 15). از عوامل مؤثر در شکل‌گیری فرهنگ در دوره صفویه، می‌توان به زبان مردم اشاره کرد. تا سده ششم زبان تمام مردم اردبیل ترکی بود. برخلاف تصور برخی که پنداشته‌اند شاه اسماعیل صفوی زبان ترکی را رواج داد و آن را زبان مردم آذربایجان نمود، باید گفت: زمانی که شاه اسماعیل صفوی قیام کرد، زبان ترکی میان مردم آذربایجان شایع بود و عامه مردم نیز بدان سخن می‌گفتند، اما خود شاه اسماعیل نیز به زبان ترکی گرایش داشت. از آن زمان، زبان ترکی در شهر ماندگار گردید و زبان عامه مردم گشت (Yousefi and Golmaghani Zadeh Asi 2011).

اردبیل عرصه انجام بسیاری از فعالیت‌های هنری، فرهنگی و اجتماعی طی ادوار گذشته بوده است که آموختن علم و دانش را میسر می‌نموده‌اند. با مطالعه تاریخ می‌توان دریافت که در این زمان اردبیل به لطف قرارگیری در مسیر جاده بزرگ ابریشم و نیز وجود مقبره شیخ صفی‌الدین، خانقاه‌ها و زوایا و مقابر پیران و حضور خاندان صفوی مشهور بوده است؛ و شهرسازی مدون آن بر مبنای پیوستگی فضاهای شهری و ساخت میادین بزرگ، از جمله میدان اصلی شهر و میدان نفت که در اطراف خود اصلی‌ترین اندام‌های درون‌شهری، یعنی بازار و بقعه شیخ صفی را جای داده بودند، بوده است. در دوره صفویه ارتباط مسجد جمعه و بقعه شیخ صفی توسط بازار و راسته‌هایی که به مرکز محلات ختم می‌شدند، قوت بیشتری گرفت. همچنین در مقابل اکثر

زمان خردسالی و جوانی در مسیر طریقت و عرفان گام نهاد. وی از شاگردان شیخ زاهد گیلانی بود و با زراعت و کشاورزی امرار معاش می کرد (Yosefi and Golmaghani, 2011, 28). مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین در ابتدا مسکن شیخ صفی، خانقاه و محل تجمع مریدان وی بود. ابن بزاز اردبیلی در صفوة الصفا آورده است که پس از وفات شیخ، ضمن مشاوره و اجماع تصمیم بر آن شد که مرقد ایشان در مقامی خاص باشد که جنب خلوتخانه شیخ، باغچه، حوضخانه، خلوت‌سرای عام و مزار مریدان بوده است. برای بررسی معانی مجموعه شیخ صفی به بازنمایی آنها از طریق مدار فرهنگی استورت هال می‌پردازیم:

● ساخت با نیت باقیات صالحات

مجموعه شیخ صفی در اردبیل که از ترکیب بناهای آرامگاهی، سکونتگاهی، مذهبی و آئینی شکل گرفته است، ابتدا خانه ساده‌ای بیش نبود که شیخ صفی‌الدین در آن می‌زیست و همان‌جا نیز به ارشاد مریدان و پیروانش می‌پرداخت. صدرالدین موسی پس از فوت پدر در سال ۷۳۵ هجری قمری به توسعه بقعه و مجموعه شیخ صفی‌الدین اهتمام ورزید. در طول حکومت صفویه خانقاه شیخ به صورت واحدهای الحاقی ساخته شده و بر اصل اضافه شده است. بانی بقعه صدرالدین موسی بوده است (Jamei 1993, 81-70). مقبره شاه اسماعیل اول و گنبد آن، رواق فعلی، چینی‌خانه، مسجد جنت‌سرا و باغ و سردر بیرونی بقعه بعد از شیخ صدرالدین ساخته شدند. اوج پیشرفت معماری بقعه شیخ صفی در زمان شاه عباس بود. آنچه در آغاز، بنای درویشی و ساده شامل مسکن و خلوت شیخ بود در سده یازدهم هجری به مجموعه معماری وسیعی تبدیل شده است (Canby 2009, 24).

مؤرخان و جهانگردان ایرانی و خارجی مطالبی درباره گذشته‌های بقعه شیخ صفی‌الدین و مقام صوری و معنوی آن نوشته‌اند. تاورنیه، تاجر و سیاح فرانسوی که در زمان شاه عباس به ایران سفر کرده، در سفرنامه خود می‌نویسد: «مسجدی که شاه صفی در آن دفن شده منضم به چند بنای

دیگر است که مدخل آن از طرف میدان است که در جنوب آن یک کریاس عالی دیده می‌شود. درب مسجد با زنجیر آهنی صلیب‌وار، حراست می‌شود. هر مقصر و جنایتکاری که دست بدان زنجیر برساند و داخل محوطه شود در امان است (دارالامان) و کسی نمی‌تواند او را دستگیر کند. در سمت گوشه حیاط بزرگ ایوانی وجود دارد که همه قسم از زوار و متحصنین، که به واسطه امورات مختلفه بدان‌جا پناه آورده‌اند، دیده می‌شود. در این حیاط واردین وقت دخول ترک اسلحه و چوب و عصا نموده از درب بزرگ و آهنی عبور می‌کنند. در حیاط کوچک از یک طرف حمام‌ها و انبار و از سمت چپ درب کوچکی دیده می‌شود که مطبخ است و از آنجا هر روز و هر شب خیرات و مبرات سلطنتی را میان فقرا تقسیم می‌کند. در مطبخ غذا به مقدار کثیری طبخ شده و در میان فقرا تقسیم می‌شود چه به صرف ناهار و شام عملجات و خدام مسجد» (Safari 1992, 205-206). غروب‌ها در آشپزخانه که وقف شده بود غذا می‌پختند و از طرف شاه به ساکنان و صوفیان می‌دادند (Canby 2009, 25). می‌توان گفت کمک به انسان‌های مستمند و فقیر و اطعام آنها برای دوستی با خداست و برای پاداش آخرت انجام می‌شود و همچنین تأکید به انتخاب ذکرهای عارفانه یکی از مراحل سیر و سلوک و منازل عرفانی و تهذیب نفس برای ارتقای روح انسان است. در مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین بر اساس مدار فرهنگی، این باقیات صالحات برای بنیان است که تولید معنا می‌کند.

● مکان کسب فیض

در دوره شیخ صفی که بنا در نقش خانقاه استفاده می‌شد، خانقاه نهادی آموزشی بود که جزو فضاهای آموزشی اسلامی به شمار می‌رفت و از بدو ایجاد، دروس مذهبی در آن تدریس می‌شده است. علاوه بر آن، این مکان محلی برای بیتوته و ریاضت نیز به شمار می‌آمد (Darrani 2001, 106). خانقاه بنایی عمومی برای گرد آمدن مردم با اهداف علمی و فرهنگی به شمار می‌رفت و زندگانی کاری آن‌ها را به جنبه اندیشمندانه پیوند می‌داد (Zeinali Anari 2014). خانقاه دارای

طریقت عملی است که هدف آن تکمیل نفس و ترقی صفت روحانی و تذهیب انسان و تصفیة قلب است. به مراحل سیر و سلوک در رسائل صفویه مطابق با مراتب مختلف اشاره شده است.

در بقعه شیخ صفی آئین طریقت وضع‌کننده مقررات و شیوه استفاده از مجموعه و عامل بازنمایی معنا در شکل‌گیری فرهنگ فضا است.

● هویت مقدس

هویت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل حوزه‌های معرفت و نیاز بشری است. مفهوم هویت را می‌توان در حوزه‌های واژه‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، فرهنگ و... جستجو کرد (Mirmoghtadai 2004, 10). هویت مکانی، یک برساخته اجتماعی است. جایی به نام هویت مکانی در جهان بیرونی وجود ندارد تا آن را پیدا کنیم. این هویت یک داده عینی یا طبیعی نیست بلکه چیزی است که مردم به مکان نسبت می‌دهند. هر اثر هنری و بالاخص معماری شهری، محملی برای تجلی معانی نهفته در فرهنگ و هنر یک سرزمین و عرصه‌ای برای بیان مضامین اندیشه‌ای وابسته و پیوسته با آن است. در بقعه شیخ صفی هویت بر اساس تقدس مکانی شکل می‌گیرد. و افزون بر این، انتساب بنا به فردی که دارای وجهه مذهبی است و همچنین تزییناتی که در بنا به کار رفته، هویت مقدس بنا را تقویت می‌کنند. این زیارتگاه مکان مهمی است که به عنوان خانه معنوی سلسله حاکم یعنی صفویه معرفی می‌شود. به همین ترتیب، این بنا نه تنها یک حرم صوفی بلکه یک بنای سلطنتی بود که شاهد تجربیات و مراسم شاهان صفوی بود که در آنجا به وجود آمدند و به ترتیب به نظم سیاسی صفویه نیز رسیدند. شواهد و دلایل این تحولات در اخبار و تواریخ بیان نشده‌اند، بلکه در ساختمان‌های ناهمگونی نهفته‌اند که بر این تحولات گواهی می‌دهند (Rizvi 2000, 113). در معماری مقبره شیخ صفی جنبه مهمی از حکومت صفویان نمایان بوده است، یعنی ادغام سلطنت و مذهب. شاهان صفوی با اعلام شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور، مشوق نوعی راه و رسم مذهبی

زویا و حجره‌های متعددی بوده خاص پیر و سالکان و خادمان و به جز خادمان که به خدمت و پرستاری پیر می‌رفتند اجازه ورود به آن‌ها نداشته‌اند. دسته‌ای دیگر از زویا خاص سالکان بوده که در آن خلوت می‌کردند و به ریاضت و سلوک مشغول می‌شدند و هر سالکی را که در خلوت بود زاویه خاص تعیین می‌کردند (Darrani 2001, 107). بنای خانقاه به چند بخش تقسیم می‌شد که بزرگ‌ترین آن تالاری عظیم بود مخصوص اعمالی از قبیل ذکر جمعی یا سماع و یا گرد آمدن برای صرف طعام و یا ملاقات شیخ با اصحاب خود که این قسمت را جماعت‌خانه می‌گفتند (Abdi Beyg Navidi Shirazi 2011, 21). بنابراین این بنا فضایی برای کسب فیض و اجماع سالکان بوده است و این مهم جز از طریق، طریقت و ترویج تصوف و تشیع امکان‌پذیر نیست. در دوره شاه عباس، بنا دارای مساجد و مدارس عالی شده و کتابخانه بسیار مهمی در آنجا ایجاد شده که دارای عالی‌ترین و کمیاب‌ترین کتاب‌های خطی بوده است. در زمان شاه عباس ثانی از همه جای ایران برای زیارت قبر شاه صفی به اردبیل می‌آمدند و این موضوع باعث شده بود که بنا به مجموعه زیارتگاهی تبدیل شود.

● آئین طریقت

طریقت صفوی توسط شیخ صفی‌الدین بنیان‌گذاری شد. طریقت مسیر و شیوه سلوکی برای رسیدن به حقیقت است. اهل طریقت معتقدند که هر کس باید علاوه بر اطاعت از شریعت، طریق و روش سیر و سلوک خاصی را برای تزکیه باطن اختیار کند، روشی که مبتنی بر احکام قلبی و اجتناب از ماسوی الله است. بنابراین طریقت سیری باطنی است که از شریعت آغاز می‌شود و سالک را به سوی حقیقت رهنمون می‌گردد. برخی رابطه میان شریعت، طریقت و حقیقت را به صورتی تصویر می‌کنند که شریعت دایره‌هایی است با مرکزیت حقیقت و طریقت همچون شعاع‌هایی است که محیط را به مرکز مرتبط می‌سازد. فرض بنیادین طریقت آن است که در هر چیزی معنایی نهان وجود دارد، هر چیزی دارای معنایی برونی و نیز درونی است (Zeynali Anari 2014).

حاکمان دوره‌های ایلخانی و تیموریه تا صفوی به خانقاه اردبیل اختصاص یافت. اردبیل که در میان شهرهای ایران لقب دارالارشاد، محل ارشاد و هدایت، را داشت از سوی تیمور لنگ به دارالامان معروف گردید. بر اساس این لقب، کسی نباید در این شهر مزاحم دیگری می‌شد مگر آنکه حق شرعی نزد وی داشت.

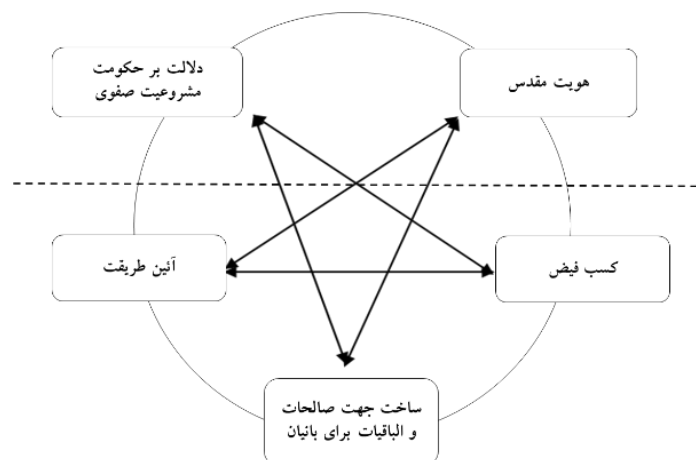
برابر منابع تاریخی، مجموعه شیخ صفی در سده‌های هشتم تا دوازدهم هجری قمری یکی از مهم‌ترین کانون‌های ارشادی اصلی شیعیان برای تبلیغ اصول شیعه و از مهم‌ترین مکان‌های زیارتی جهان اسلام به شمار می‌رفته است. بنابراین شهر اردبیل در سده‌های مزبور به دلیل آنکه خاستگاه سلسله صفوی بود بیش از سایر شهرها اعتبار یافته و به مکان مقدس ملی و مذهبی ایران تبدیل شده بود.

می‌توان گفت: مجموعه خانقاهی و آرامگاهی شیخ صفی‌الدین الگوی اولیه پیشرفتی است که یک نهاد اجتماعی-مذهبی خیرخواهانه با فضاهای متعدد در حوزه‌های مختلف آموزشی و تربیتی، معیشتی، و حوزه بهداشت، توانسته است نیازهای جسمانی و روحی مخاطبان خود را برآورده سازد. معانی به واسطه نظام بازنمایی منتشرشده پیوند تنگاتنگی با مناسبات قدرت پیدا کرده است، به طوری که در مجموعه شیخ صفی، بر اساس مدار فرهنگی، این مشروعیت صفویه است که بازنمود می‌شود.

نظام‌مندتر بودند. این تغییر را به بهترین شکل می‌توان در توسعه مقبره شیخ صفی دید که آینه فضای فرهنگی ایران در اوایل عهد صفوی محسوب می‌شود. شاه عباس علاوه بر توسعه مقبره و وقف موقوفات فراوان برای بقعه، آن را به نمادی سلطنتی تبدیل کرد که عمدتاً با سلسله صفوی مرتبط بود (Canby 2009, 25). مسافرانی که در عصر شاه عباس به حرم رفته‌اند می‌نویسند: کسی غیر از شاه عباس اجازه نداشت وارد حرم شود و او در آنجا به تنهایی در جوار نیای شکوهمند شیخ صفی نماز می‌گزارد. در آستانه شاه‌نشین، زائرین بر زانو می‌افتادند و زمین متبرک را می‌بوسیدند و سپس به زیارت مقابر نیاکان صفویان که در حرمخانه دفن شده بودند می‌رفتند (Canby 2009, 30). این مضامین به هویت شیخ صفی اشاره دارد و ضمن تأکید بر تجانس عرفان و پیرایش گناهان، معنای تقدس را با حضور در مکان به آدمی می‌دهد.

● دلالت بر مشروعیت حکومت صفوی

اردبیل دو و نیم قرن محل قدرت صفویان بود، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر معنوی. شهر اردبیل و مرکز خانقاهی آن در زمان شیخ صفی و نوادگان او از کانون‌های مهم مذهبی جهان آن روزگار محسوب می‌شد. از برکت وجود مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی موقوفات زیادی توسط



تصویر ۲: مدار فرهنگی تولید و مبادله معنا در مجموعه شهری شیخ صفی‌الدین اردبیلی (Hall 1997)

Fig. 2: Cultural Circuit of production and exchange of meaning at the urban complex of Sheikh Safiuddin Ardebili (Hall 1997)

۴-۲. بازنمایی معنا در بازار تاریخی اردبیل

شهر اردبیل به دلیل واقع شدن در مسیر جاده ابریشم همواره از بازارهای وسیع و پررونقی بهره‌مند بود و در دوره حکومت سلسله صفوی به خاطر وجود مقبره شیخ صفی و ارادت خاص سلاطین صفوی به جد خود، این شهر در نهایت جلال و شکوه به سر می‌برد و از اعتبار خاصی برخوردار بود. بنای امروزی بازار اردبیل در پاره‌ای از قسمت‌ها متعلق به دوره صفوی است که بعضی از سراها و تیمچه‌ها و راسته‌ها در ادوار بعدی مرمت و احیا شده‌اند. در سده دهم هجری در زمان حکومت شاه طهماسب اول بازارهای اردبیل از رونق بسیار زیادی برخوردار بودند.

بازار شهر اردبیل به عنوان ستون فقرات آن، به صورت خطی شکل گرفته و جهت آن از شرق به غرب بوده است. بازار در طول این جهت حرکت دو مرکز مهم شهر یعنی مجموعه بقعه شیخ صفی و مسجد جمعه را به یکدیگر متصل می‌کرده است. مجموعه شیخ صفی و میدان عالی‌قاپو در جلوی آن (یکی از مدخل‌های مهم شهر) نقش مهمی در تقویت بازار داشته‌اند. دو راه اصلی بازار نیز هر کدام یک محله بزرگ مسکونی را در سمت شرق و سمت غرب به یکدیگر متصل می‌کرده‌اند.

• تولید ثروت و سود بازاریان و بانیان

از مهم‌ترین مشخصه‌های حیات شهری در هر دوره‌ای، وجود بازار و بازاریان با هدف کسب سود و تأمین ارزاق و مایحتاج مردم بوده است. در هر یک از این بازارها، مجموعه‌ای از اصناف متعدد با الزامات خاص هر صنف وجود داشت (Floor 91, 1987). به نقل از کتاب «صریح‌المک» که جزئیات رقیبات و مشروح موقوفات آستانه متبرکه بقعه شیخ صفی در آن بیان شده، در قرن دهم هجری در زمان حکومت شاه طهماسب اول بازار اردبیل از رونق بسیار زیادی برخوردار بوده است. دکاکین متعددی که تعداد آنها از صدها باب تجاوز می‌کند، در بازارهای اردبیل از طریق نیابت تولید آستانه شیخ خربرداری و وقف بقعه حضرت شیخ صفی‌الدین شده‌اند (Jamei 1993, 132). بازاریان شهر اردبیل علاوه بر امرار معاش، کسب سود و تأمین مایحتاج مردم، در شکل‌گیری فرهنگ شهر نیز بی‌تأثیر

نبوده‌اند چرا که فرهنگ مبادله و تجارت خود بخشی از فرهنگ شهری است.

• رفع نیاز و مبادلات تجاری

بازار اردبیل از قدیم، نه تنها به عنوان مکانی برای مبادلات اقتصادی و تجاری بوده، بلکه امور دینی، فرهنگی و سیاسی نیز در آنجا انجام می‌گرفته است. در این شهر، بازار در مجاورت بقعه شیخ صفی قرار دارد و مردم برای تأمین نیازهای روزمره، فصلی و سالیانه خود از بازار استفاده می‌کنند. این امر نشان‌دهنده تلفیق دو عنصر مذهب و اقتصاد در بازارهای سنتی ایران و بازار شهر اردبیل است.

اهمیت بازار اردبیل تنها منحصر به خود شهر نبوده است، زیرا این بازار نقش منطقه‌ای مهمی داشته و با بعضی نقاط دنیا نیز ارتباط تجاری-بازرگانی داشته است. به علاوه این بازار بر سر شاخه‌ای از راه ابریشم قرار داشته و این شهرت و نفوذ در رشد و توسعه و افزایش اهمیت شهر تأثیر بسزایی داشته است. در دوره صفویه، محصولات گیلان و شماخی از طریق اردبیل به عثمانی حمل می‌شده است (Velayati 1996, 313). فعالیت اقتصادی و مبادلات کالا در بازار شهر اردبیل در اشکال و بخش‌های مختلف از جمله خرده‌فروشی، عمده‌فروشی و بانکداری، واسطه‌گری، تجارت خارجی و تولید محصولات توسط پیشه‌وران صورت می‌گرفت و درهم‌تنیدگی و گوناگونی رشته‌های اقتصادی از عوامل اصلی رشد تجارت و پیشه‌وری در بازار بزرگ این شهر بود که در مسیر جاده ابریشم قرار داشت. در بازار افراد استفاده‌کننده، در تعاملات اجتماعی به رفع نیاز خود می‌پردازند و این رفع نیاز معنای فرهنگ و زندگی اجتماعی در فضای شهری است که در شهر اسلامی مورد مصرف قرار می‌گیرد.

• آیین حسبه

تنظیم‌کننده و نظام‌بخش فعالیت‌ها در بازار اردبیل، آیین حسبه بود. برای اینکه روابط بین پیشه‌وران و مردم و نیز نحوه استفاده از فضاهای بازار به بهترین صورت ممکن جریان یابد، قوانین و مقرراتی درباره بازار وضع شده بود که برخی از آنها به صورت مدون و برخی به صورت ضمنی و شفاهی بودند.

درمی‌آیند و به عزاداری در مسیر مشخص در داخل بازار می‌پردازند.

در بازار، به عنوان یک فضای شهری مهم، فضاهایی برای عرضه انواع غذاهای ساده و نیز غذاهای عالی وجود داشت. ساختار اجتماعی جامعه در دوره صفویه به نحوی بود که مردم بر اساس روابط خویشاوندی، قومی، نژادی، مذهبی و برخی از انواع روابط اجتماعی به صورت گروه‌بندی‌های محله‌ای در کنار هم زندگی می‌کردند. هر یک از ساکنان شهر به یک محله تعلق داشت. نقش و کارکرد اجتماعی بازار به قدری بود که حتی اروپائیان که برای مدت کوتاهی به ایران سفر می‌کردند، به خوبی متوجه آن می‌شدند (Soltanzadeh, 2007, 31).

• دلالت بر قدرت شهر

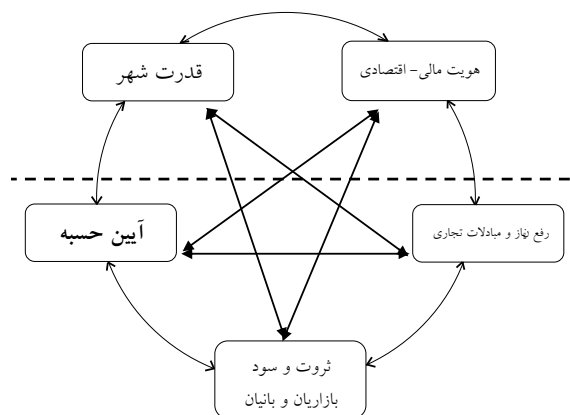
مجموعه بازار و فضاها و عناصر پیرامون آن هسته مرکزی تاریخی و پود ارگانیک شهر بوده است. این هسته مرکزی به مرور زمان گسترش یافته و علاوه بر اضافه کردن عناصر و فضاهای تجاری-بازرگانی به پیکره خود، سایر فضاها و عناصر لازم را نیز در کنار خود ایجاد کرده بود. این بازار سرپوشیده بازتابی از اوضاع اقلیمی شهر و وجود اقلیم سرد و نیمه‌خشک منطقه است که باعث پیوستگی محل‌های کسب‌وکار و فعالیت و... در یک مجموعه شده بود (Yosefi and Golmaghani Zadeh, 2011, 41). بازار اردبیل یکی از بهترین نمونه‌های معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی است که به عنوان ستون فقرات و قلب تپنده شهر، ایفای نقش می‌کند. از یک سو با بقعه شیخ صفی ارتباط دارد و از سوی دیگر مسجد جامع شهر در دل آن قرار گرفته است. مقدسی در کتاب «احسن التقاسم» از اردبیل شرحی نوشته و می‌گوید که اردبیل مرکز آذربایجان و پایتخت ناحیه است. بازار آن به شکل صلیب است و چهار دروازه دارد و مسجد جامع در وسط صلیب (یعنی چهارسوق) واقع است (Jamei 1993, 131). وجود بازارهای بزرگ و معتبر در شهر اردبیل که در قرون اولیه اسلامی در بخش اقتصادی کشور فعالیت داشتند مورد تأیید کتاب‌های تاریخی قرار گرفته، اما اهمیت و شهرت و گسترش وسعت آن در

این قوانین و مقررات حوزه‌های گوناگونی را دربرمی‌گرفتند. نخستین موضوع مهم محل استقرار پیشه‌وران و فضاها بود. برخی از پیشه‌وران که فعالیت آن‌ها موجب پیدایش آلودگی محیطی می‌شد باید در بیرون شهر یا در نزدیکی دروازه‌ها مستقر می‌شدند (Soltanzadeh 2007, 50). درباره فضاهای بازار و نحوه استفاده از آن قوانین و مقرراتی وجود داشت که برخی از آنها در کتاب‌هایی که به موضوع حسبت پرداخته‌اند، ذکر شده‌اند. مهم‌ترین وظیفه نظارتی مترتب بر نهاد حسبه حفظ و نظارت بر بازار و دفاع از تمامیت آن است. حسبه و وظایف محاسب را می‌بایست بازوی عمل‌کننده و قوه اجرایی تسهیل بازار و بنای بازارها و متوالی رونق داد و ستد سالم در بازار اسلامی به شمار آورد (Esposito 2003, 114). مفهوم نظارت بر بازار و نظام بخشیدن بدان در منابع اسلامی، علاوه بر سلامت بازار از حیث اخلاق حسنه، نظم عمومی و عدم امتزاج حلال و حرام، شامل نظام ظاهری فیزیکی نیز می‌شود. قوانین و مقررات حاکم بر بازار که مطابق دستورات اسلامی بودند، از عوامل اصلی رونق اقتصادی بازار اردبیل در دوره صفوی بوده‌اند.

• هویت مالی - اقتصادی

بازار در اردبیل ستون فقرات و شالوده زندگی اقتصادی، در حیات شهری بود. این بازار به عنوان مرکز معیشت مردم و فعالیت‌های صنفی، در جوار مسجد جامع قرار دارد. در بازار اردبیل نیز علاوه بر کارکرد تجاری، مسجد جامع شهر در داخل بازار واقع شده است.

مجالس عزاداری غالباً در سراها و تیمچه‌ها تشکیل می‌شد و اصناف مختلف برای بهتر برگزار کردن آن با یکدیگر رقابت می‌کردند. از دوره صفویه به بعد همواره گروهی از اصناف هر سال، در دهه عاشورا، مجالس عزاداری و روضه‌خوانی در سراها و چهارسوق‌های بازار تشکیل می‌دهند. بازار اردبیل نیز در هنگام عزاداری اهل بیت (ع) و به خصوص در ایام ماه محرم و به ویژه دهه عاشورا، مجالس عزاداری برگزار می‌کند. در ایام محرم، شش محله اصلی شهر اردبیل که به محلات ششگانه معروف‌اند، هر کدام روز مشخصی برای عزاداری در بازار دارند و در روز مقرر به بازار



تصویر ۳: مدار فرهنگی تولید و مبادله معنی در مجموعه بازار اردبیل (Hall 1997)

Fig. 3: Cultural circuit of production and exchange of meaning in the Ardebil Bazaar Complex (Hall 1997)

● بنیان و تحول با حکم حکومتی

مساجد جامع با دستور و حمایت خلفا، درباریان، سلاطین و صاحب‌منصبان ساخته می‌شدند. هزینه‌های نگهداری مساجد جامع نیز سالیانه از بیت‌المال تأمین می‌شد. مسجد جمعه اردبیل به دستور سلجوقیان و احتمالاً بر روی بقایای کهن‌تری ساخته شده و سپس در دوره‌های مختلف توسط حکومت‌های وقت مرمت و توسعه داده شده است. در دوره صفویه مسجد جمعه شهر اردبیل بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسجد شهر به شمار می‌رفته و از اهمیت زیادی برخوردار بوده و مرکز تجمع اهالی شهر در این دوره بوده است (Shahbazi Shiran 2015).

● انجام فرایض دینی و رسانه حکومتی

مسجد منشأ تغییرات اجتماعی و رسانه‌های ارتباط جمعی است. کارکرد رسانه‌های مساجد، حقیقتی جدا از شاکله اسلامی نیست بلکه شاخه‌ای روئیده از اصول بدیهی اسلامی است. در جمعه مسجد اردبیل مانند سایر مساجد جامع نماز جمعه توسط امام منصوب حکومت برگزار می‌شد. آنجا خطبه‌های حکومتی خوانده شده و احکام آن ابلاغ می‌گردید. مسجد جامع اردبیل به خاطر کانون تجمعات دینی و اجتماعی همواره کارکرد رسانه‌ای خاص خود را داشته است. در واقع خود اجتماعات در مسجد جمعه را می‌توان فعالیت رسانه‌ای مستقلی به حساب آورد. این مسجد که به مسجد

دوره صفویه فوق‌العاده زیاد بوده است. بازار شکوه و قدرت شهر دوره صفویه را به صورت کامل نشان می‌دهد.

۳-۴. بازنمایی معنای جمعه مسجد شهر اردبیل

در سفرنامه اولناریوس به وجود مساجد بسیاری در اردبیل اشاره می‌شود. وی می‌نویسد: «بزرگ‌ترین و زیباترین این مسجدها، مسجد آدینه است که بر فراز تپه‌ای تقریباً در میان شهر قرار دارد و دارای گلدسته نسبتاً بلند و مرتفع است. در روزهای تعطیل و آدینه (وجه تسمیه مسجد) مردم بسیاری به این مسجد رفت‌وآمد می‌کنند. مقابل مسجد قناتی قرار دارد که به دستور صدراعظم شاه به نام ساروخواجه حفر شده است. کسانی که برای عبادت به مسجد می‌روند قبلاً خود را با این آب می‌شویند. این مسجد در عهد صفوی بسیار مجلل بوده و آثار گرانبهایی داشته است که به دست گرجی‌ها خراب شده و اشیای آن نیز به یغما رفته است» (Safari 1992, 55).

جمعه مسجد اردبیل در شمال شرقی شهر بین محله‌های پیرشمس‌الدین و عبدالله شاه بر روی تپه مرتفعی واقع شده و یکی از قدیمی‌ترین مساجد شمال غربی ایران است و آخرین بار در دوران ایلخانی مورد مرمت قرار گرفته است. اصل بنای کنونی مسجد در دوره سلجوقیان، بر روی بقایای کهن‌تری ساخته شده که در نتیجه حمله مغول به سال ۶۲۰ هجری ویران شده و در حدود سال ۶۵۰ هجری مجدداً بازسازی شده است.

مسجد و انجام فرایض دینی به عبادت پروردگار می‌پردازند. جمعه مسجد اردبیل جایگاه اجتماع مؤمنان، برگزاری مراسم عبادی، کانون معارف و احکام اسلامی و نیز پشتیبان سیاسی دولت صفوی بود و به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی دوره صفویه نقش خاصی را در شکوفایی نهضت علمی و ارتقای فرهنگ و تمدن اسلامی بر عهده داشت. این مسجد هم به لحاظ عملی و هم به لحاظ نمادین، نشانگر شهری بودن و مرکزیت اداری و سیاسی اردبیل در منطقه و همچنین اهمیت اجتماعی و اقتصادی مهم آن شهر در دوره صفوی است.

• دلالت بر قدمت، اهمیت و تدین مردم اردبیل

جمعه مسجد اردبیل مربوط به دوران سلجوقیان است که کنار آتشکده‌ای مربوط به دوره اشکانی قرار گرفته. این مسجد در دوره‌های سلجوقی و ایلخانی بسیار گسترده‌تر، عظیم‌تر و وسیع‌تر از بنای مکعبی فعلی بوده و بنای سرپای موجود صرفاً گنبدخانه و ایوان مسجد بزرگ را تشکیل می‌داده که در حمله مغول‌ها و به مرور زمان، اجزای بنا به وضعیت فعلی رسیده است.

مسجد جمعه شهر اردبیل به لحاظ فضایی-عملکردی یکی از فضاهای اصلی و مهم‌ترین هسته شکل‌گیری شهر به شمار می‌رفته است. این مسجد دلالت بر قدمت شهر اردبیل و اهمیت منطقه‌ای آن دارد. همچنین نشانگر ایمان و اعتقاد دینی مردم اردبیل از آن دوره تاکنون است.

آدینه هم معروف است محل گردهم‌آیی هفتگی در نماز جمعه و روزانه در نمازهای جماعات بوده است. مناره مسجد جمعه نیز به علت قرارگیری بنا در بالای تپه و ارتفاع زیاد مناره، از تمام نقاط شهر دیده می‌شد. مناره مسجد راهنمای افراد تازه‌وارد به شهر نیز بود و در اعلان اوقات نماز هم به کار می‌رفت.

• آئین شریعت

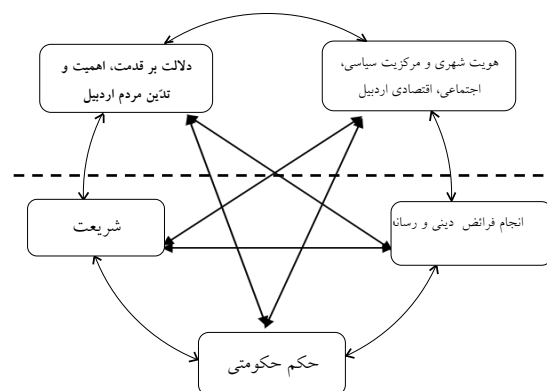
مسجد همواره مشعل هدایت، نشانه توجه به ارزش‌های والای انسانی، محل طرد آلاینده‌های مادی، نشانگر هویت فرهنگ و هنر اسلامی و بالأخره مرکز پیشگیری و کاهش بزهکاری‌های اجتماعی است. مسجد در اسلام، قلب تپنده حیات این دین حنیف و جایگاه پیوند آسمان و زمین (دو نماد آخرت و دنیا) است. از نخستین سده ظهور دین مبین اسلام، «مساجد» به عنوان شاخص‌ترین و بارزترین نهادهای اسلامیت تجلی یافتند.

در شهر اردبیل با وجود بقعه شیخ صفی به عنوان محل ترویج طریقت و شریعت دوره صفوی، مسجد جمعه اردبیل پایگاه دین و شریعت بوده و خانقاه نیز پایگاه طریقت و پایگاهی برای گستراندن اندیشه عرفانی شده بود.

• هویت شهری و مرکزیت سیاسی، اجتماعی،

اقتصادی اردبیل

مسجد محل حضور عموم مردم است که با حضور در



تصویر ۴: مدار فرهنگی تولید و مبادله معنا در جمعه مسجد شهر اردبیل (Hall 1997)

Fig.4: Cultural Circuit of production and exchange of meaning at the Friday Mosque of Ardebil (Hall 1997)

نتیجه گیری

اردبیل قابل مشاهده است. بقعه شیخ صفی‌الدین به دلیل قداست معنایی، به شهر اردبیل هویت مقدس بخشیده بود. می‌توان گفت که طریقت صفوی هم مشروعیت‌بخش حکومت صفویان بوده و هم بنیاد زندگی اجتماعی و فرهنگ آن دوره را تشکیل می‌داده و هدف بانیان بقعه تلاش برای اشاعه آن بوده است. بازار نیز در این دوره، به‌مثابه بخش اصلی از حیات و زندگی شهری، مورد توجه بوده و سرمایه، قدرت، عظمت و مکتب شهر را نشان می‌داده است. و در نهایت جمعه مسجد به عنوان یک عنصر شهری فعال هم به لحاظ مکانی و هم به لحاظ ذهنی، سبب یکپارچه‌سازی فضایی شهر می‌شده است.

معناها به واسطه نظام بازنمایی و در مدار فرهنگی تولید و مبادله می‌شوند. در این میان، فضاهای شهری به‌مثابه نظام‌های فرهنگی، بستری هستند که معناهای مشترک جامعه را بازنمایی می‌کنند. شهر تاریخی اردبیل خاستگاه صفویه و از مهم‌ترین شهرهای این دوره بوده است و فضاهای شهری آن در این دوره به دلیل توجه خاص حکومت به هنر و معماری و گرایش به تشیع و عرفان و مفاهیم وابسته به آن، محل بروز و ظهور اعتقادات شیعی می‌گردند. صفویان تلاش نموده‌اند تا از این ظرفیت اردبیل برای مشروعیت حاکمیت خود بهره بگیرند. از مصادیق بروز این اندیشه‌ها در شهر، بقعه شیخ صفی به عنوان خاستگاه حکومتی، بازار به عنوان مرکز اقتصادی و جمعه مسجد به عنوان مهم‌ترین مرکز عبادی شهر

فهرست منابع

- جامعی، بیوک. ۱۳۷۲. آثار و ابنیه تاریخی اردبیل. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- درانی، کمال. ۱۳۸۰. تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام. تهران: سمت.
- رستم‌زاده، یاور، محمد رنج‌آزمای آذری، سید مجید نادری، منصور یگانه، و هادی محمودی‌نژاد. ۱۳۸۹. روش‌های ارزیابی رفتارهای شهروندی در فضاهای شهری در رویکرد فراتحلیل. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست ۱۲ (۳): ۱۷۵-۱۹۰.
- رضازاده اردبیلی، مجتبی، و لیلا پیغامی. ۱۳۸۸. رهیافتی حاصل از شناخت شهر سنتی به منظور ارائه الگوی مداخله در بافت (مطالعه موردی: اردبیل). نشریه هنرهای زیبا ۳۸: ۷۳-۸۴.
- زینالی اناری، محمد. ۱۳۹۳. پدیدارشناسی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی. در مجموعه مقالات شیخ صفی‌الدین اردبیلی در آئینه عرفان هنر و سیاست، به کوشش سید سلمان صفوی، ۳۸۱-۴۱۴. تهران: آکادمی مطالعات ایرانی لندن.
- سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۸۶. بازارهای ایرانی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شهبازی شیران، حبیب. ۱۳۹۴. تحلیل اجزاء و عناصر معماری جمعه مسجد اردبیل. تبریز: مؤسسه مطبوعاتی رعد.
- صفوی، بابا. ۱۳۷۱. اردبیل در گذرگاه تاریخ. ج ۱-۳. اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- عبدی بیگ نویدی شیرازی، زین‌العابدین. ۱۳۹۰. صریح‌الملک؛ وقف‌نامه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی. تهران: معاونت فرهنگی اوقاف و امور خیریه.
- فاضلی، نعمت‌الله. ۱۳۹۳. تاریخ فرهنگی ایران مدرن. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ . ۱۳۹۴. فرهنگ شهر، چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری. تهران: انتشارات تپسا.
- فلور، ویلم. ۱۹۸۷. اصناف. ترجمه فرخ یزدانی. ۱۳۸۸. نامه انجمن ۳۵-۳۶: ۹۱-۱۱۲.
- کنبی، شیلا. ۲۰۰۲. هنر و معماری صفویه. ترجمه مزدا موحد. ۱۳۸۸. تهران: فرهنگستان هنر.
- میرزایی، حسین، و پروین امین. ۱۳۸۹. مطالعات فرهنگی و صورتبندی دوگانه نظری-روش‌شناختی در بازنمایی دیگری. برگ فرهنگ ۲۲:

میرمقتدایی، مهتا. ۱۳۸۳. معیارهای شناخت هویت کالبدی شهرها. نشریه هنرهای زیبا ۱۹: ۲۹-۳۸.
 ولایتی، علی اکبر. ۱۳۷۵. تاریخ روابط خارجی ایران در عهد شاه اسماعیل صفوی. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
 هال، استوارت. ۱۹۹۷. معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی. ترجمه احمد گل محمدی. ۱۳۹۱. تهران: نشر نی.
 یوسفی، حسن، و ملکه گل‌مغانی‌زاده اصل. ۱۳۹۰. روضه وحید آفاق: گذری بر تاریخ و هنر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی. اردبیل: انتشارات یاوریان.

منابع انگلیسی

- Abdi Beyg Navidi Shirazi, Zain al-Abedin. 2011. *Sarih al-Molk; Endowment deed of the tomb of Shaykh Safi al-din Ardebili*. Tehran: Cultural Deputy of Endowment and Charities. [in Persian]
- Canby, Sheila R. 2002. *Safavid art and architecture*. Translated by Mazda Movahed. 2009. Tehran: The Iranian Academy of Arts. [in Persian]
- Darrani, Kamal. 2001. *Iran's history of education before and after Islam*. Tehran: Samt. [in Persian]
- Esposito, John L. 2003. *The Oxford dictionary of Islam*. Oxford University Press.
- Fazeli, Nematallah. 2014. *Cultural history of modern Iran*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Persian]
- . 2015. *City cultur; Cultural turn in urban discourses*. Tehran: Tisa Press. [in Persian]
- Floor, Willem M. 1987. Asnaf. Translated by Farrokh Yazdani. 2009. *Name-ye Anjoman* 35-36: 91-112. [in Persian]
- Hall, Stuart. 1997. *Representation: cultural representations and signifying practices*. Translated by Ahmad Golmohammadi. 2012. Tehran: Ney Publishers. [in Persian]
- . 1997. *Representation: Cultural representations, and signifying practices*. London: Open University Press.
- Jamei, Buyuk. 1993. *Historical buildings and buildings of Ardabil*. Tehran: Elmi va Farhangi. [in Persian]
- Mirmoghtadai, Mahta. 2004. Criteria for determining the physical structural identity of the cities. *Honar-ha-ye Ziba* 19: 29-38. [in Persian]
- Mirzai, Hossein, and Parvin Amin. 2010. Cultural studies and the dual theoritical-psychological formulation in the representation of the other. *Barg-e-Farhang* 22: 8-23. [in Persian]
- Rezazadeh Ardebili, Mojtaba, and Leila Peyghami. 2009. Approach derived from the recognition of the traditional city in order to provide an intervention pattern in the context (Case study: Ardabil). *Honar-ha-ye Ziba* 38: 73-84. [in Persian]
- Rizvi, Kishwar. 2000. Transformations in early Safavid architecture: The shrine of Shaykh Safi al-din Ishaq Ardabili in Iran (1501-1629). PhD Diss. Massachusetts Institute of Technology.
- Rostamzadeh, Yavar, Mohammad Ranjazmai Azari, Seyyed Majid Naderi, and Mansour Yeganeh. 2010. Methods of assessing citizenship behaviors in urban spaces in the meta-analysis. *Science and technology environment* 12(3): 175-90.
- Safari, Baba. 1992. *Ardabil, in the history of Iran*. Volumes 1-3. Ardebil: Ardebil Islamic Azad University. [in Persian]
- Shahbazi Shiran, Habib. 2015. *An analysis of the architectural elements of Ardabil Friday Mosque*. Tabriz: Ra'ad Publication Institute. [in Persian]
- Soltanzadeh, Hossein. 2007. *Iranian Bazaars*. Fourth Edition. Tehran: Office of Cultural Research. [in Persian]
- Velayati, Ali Akbar. 1996. *History of foreign relations of Iran during the Shah Isma'il Safavi era*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [in Persian]
- Yousefi, Hassan, and Malake Golmaghanizadeh Asl. 2011. *Rawza of Vahid-e Afaq; A glimpse at the history and art of the Sheikh Safi al-Din Ardebili*. Ardebil: Yavarian Publishing. [in Persian]
- Zeinali Anari, Mohammad. 2014. *Phenomenology of tomb of Sheikh Safi al-Din Ardebili*. In *Proceedings of the symposium of Sheikh Safi al-Din Ardebili in the Mirror of Art and Politics*, S. S. Ansari ed., 381-414. Tehran: London Academy of Iranian Studies. [in Persian]